

بسم الله الرحمن الرحيم

کشته اسلام دروغین

از بیانات مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

فهرست

آغازی دیگر.....	۵
«مستباح» از ویژگی های حضرت سیدالشهدا علیه السلام است.....	۷
«مستباح» یعنی چه؟.....	۸
چگونه حضرت سیدالشهدا علیه السلام «مستباح» شدند؟.....	۱۱
فرهنگ اموی و دستاوردهای آن.....	۱۶
پیامدهای معاصر فرهنگ اموی.....	۱۹
«خاذلان» امام حسین علیه السلام و دامنه گسترده آن.....	۲۲
عزت را باید در دستگاه امام حسین علیه السلام جست.....	۲۵
استعجال خدا در عقاب خاذلان.....	۲۷
چرا خدای متعال چنین شتابان پاسخ خاذلان شعائر حسینی را می دهد؟.....	۲۹
هر گلی بویی دارد.....	۳۱
اسلام بی نقاب.....	۳۲
بردباری در اقامه شعائر.....	۳۶
آسیب دیدن در راه اقامه شعائر.....	۴۰
در انتظار اربعین.....	۴۲
باشد که.....	۴۶

کشته اسلام دروغین

از بیانات مرح عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

❖ به اهتمام: مؤسسه فرهنگی - مذهبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله - کربلای معلی

مؤسسه فرهنگی - خبریه ام ابیها علیه السلام

❖ چاپ: اول / محرم الحرام ۱۳۹۸

❖ تیراژ: ۱۰۰۰۰

نمایشگاه دائمی: قم، خیابان ارم، مقابل حرم مطهر، گذر خان، جنب مسجد امام رضا علیه السلام، پلاک ۲۴۰
تلفن: ۹۸۲۵۳۷۷۴۲۵۹۹ + تلفن: ۹۸۲۵۳۷۷۰۰۳۶۸ + نمابر: ۹۸۲۵۳۷۸۳۷۹۱۰ +
پست الکترونیک: info@shirazi.ir پایگاه اینترنتی: http://www.shirazi.ir
Shirazi_ir Shirazi_ir Shirazi_ir ۹۸۳۰۰۰۵۷۰۳ +





[هریک از] ایشان را در نزد خدا درجاتی است».

دعا برای عزاداران حسینی را وظیفه شرعی خود می‌دانم و سوگمندانه همه دوستان اباعبدالله الحسین (ع) را برای این مصیبت جانسوز تسلیت می‌دهم. خدای عزوجل سعادت هر دو سرا به ایشان عنایت نماید و آن اندازه که عطا کرده بیشتر کند.

نیز حضرت سیدالشهدا (ع) ایشان را از عنایت و مرحمت ویژه خویش بیش از پیش بهره‌مند گرداند؛ البته که ایشان و دیگر امامان معصوم (ع) - که وارثان خون او هستند - افزون بر هزار سال است که از این مصیبت عظمی خون جگر می‌خورند و فرج حضرت بقیة الله الأعظم، مهدی متقمم (ع) را انتظار می‌کشند.

در آغاز، مقام منیع و رفیع و عظیم امامت منصوبه الهی و عصمت کبرای خدا، حضرت بقیة الله الأعظم (ع) را سوگمندانه تعزیت و تسلیت می‌دهم و سپس همه محبان حضرت اباعبدالله (ع) را از زن و مرد و کوچک و بزرگ که البته در این مصیبت شریک‌اند دل‌داری و سرسلامتی می‌دهم. امیدوارم خدای متعال همگی آنان را در دنیا و آخرت سعادت‌مند گرداند.

آغازی دیگر^۱

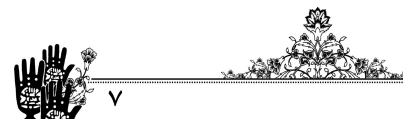
امشب شب یازدهم محرم است و همه چیز امروز تا غروب آفتاب تمام شد.

یک دهه عزاداری گوارای همه داغداران مصیبت سالار شهیدان نینوا. خوشا به حال آنان که در این عزاداری‌ها شرکت کردند. خوشا به حال آنان که در این سوگواری‌ها خسته شدند و لطمه خوردند و بیشتر خوشا به حال آنان که در این سوگواری خسته‌تر شدند یا با مشکلات بیشتری روبرو گشتند. و زهی سعادت کسانی را که در اکناف و اطراف جهان، امروز در عزای امام حسین (ع)، میوه دل حضرت زهرا (ع) جان باختند. گوارایشان باد این رستگاری و خدای متعال آنان را با کعبه جانان، سرور جهانیان، حسین زمینیان و آسمانیان محشور گرداند! و خوشا به حال کسانی که زخمی برداشتند و آسیبی دیدند. حقا که خدا در وصف ایشان فرموده است: «هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ»^۲

۱. بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شیرازی (ع) در گردهمایی

عظیم عزاداران حسینی در عاشورای ۱۴۴۰ق.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۶۳.



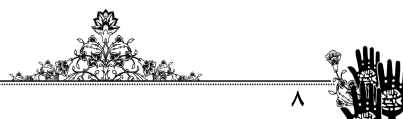
«مستباح» از ویژگی‌های حضرت سیدالشهدا علیه السلام است

در یکی از زیارت‌نامه‌های حضرت سیدالشهدا علیه السلام که از ناحیه مقدسه به دست ما رسیده، حضرت بقیه الله الأعظم علیه السلام با این عبارت به جدّ بزرگوارشان سلام می‌دهد: «السلام علی المضام المستباح»^۱ سلام بر ستم‌دیده حق برده شده‌ای که حقش را حلال شمردند. «مضام» یعنی مظلوم. کدام‌یک از معصومان علیهم السلام مظلوم نبودند و کدام‌یک مظلوم کشته نشدند؟ معصوم علیه السلام می‌فرماید: «ما منّا الا مسموم أو مقتول»^۲ [تقدیر] هیچ‌یک از ما نخواهد بود جز آنکه با سم یا شمشیر کشته شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مظلوم شهید شدند. حضرت زهرا علیها السلام مظلومه شهید شدند و همین‌طور امیر مؤمنان حضرت علی و امام حسن مجتبی و امام حسین و سایر ائمه علیهم السلام همگی مظلوم کشته شدند و لفظ «مضام» بر همه آن‌ها صادق است، تا حتی درباره حضرت بقیه الله الأعظم علیه السلام روایت شده که پس از آنکه عدالت او همه‌جا

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۶۴.

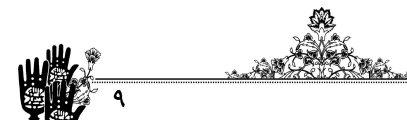


می‌گسترده و رحمت و رأفت الهی‌اش دنیا را فرا می‌گیرد، باز مظلوم کشته خواهد شد.

اما «مستباح» فقط در وصف حضرت سیدالشهدا علیه السلام به کار رفته و درباره هیچ‌یک از دیگر معصومان به کار نرفته است. در دهها زیارت‌نامه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زیاراتی که درباره همه معصومان علیهم السلام در دست هست تا خود حضرت بقیه الله علیه السلام این واژه یافت نمی‌شود. یگانه مکانی که این واژه به چشم می‌خورد زیارت ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام است که آن را درباره جدّش حضرت اباعبدالله علیه السلام به کار برده است.

«مستباح» یعنی چه؟

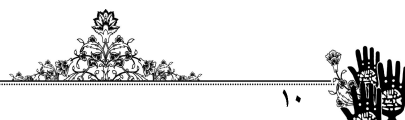
در توضیح این واژه قدری تعابیر و اصطلاحات نیاز است که اهل علم با آن‌ها آشنا هستند. در میان اهل علم این جمله مشهور است که می‌گویند: «حذف المتعلق له ظهور فی العموم»؛ به این معنا که وقتی عبارتی یا کلمه‌ای دارای معانی متعدد باشد، قرائن غیر مذکور در متن ما را به معنی ویژه‌ای رهنمون می‌سازد؛ لذا عمومیت معنایی آن عبارت به معنای خاصی اختصاص می‌یابد. به عبارتی،



عبارت یا واژه مذکور از چند معنایی که بر پایه قرائن موجود در کلام محتمل است، معنایی خاص می‌یابد.

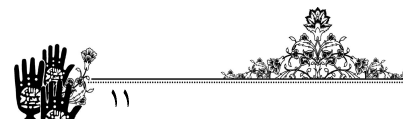
واژه «المستباح» که از ناحیه مقدسه صادر شده مطلق و گذاشته شده است. «مستباح» در زبان عربی یعنی حلال شمرده شده و عبارت حضرت به این معنی است که حضرت امام حسین علیه السلام را به ستم کشتند و کشتن او را حلال شمردند. این مطلب درباره هیچ‌یک از معصومان صادق نیست. همه آن‌ها به ناحق کشته شدند، اما ریختن خون آنان حرام بود و آن هم از بدترین محرمات. این‌گونه نبود که امامی را بکشند و آن کار را بر خود روا و حلال بشمارند. همه آن ظالمان که امامان ما را کشتند دست آخر حاشا کردند و زیر بار جنایتی که مرتکب شدند نرفتند.

چه چیزی از امام حسین علیه السلام مستباح شمرده شد؟ ایشان را کشتند و قتل او را امری حلال و بلکه واجب دانستند، فتوایی در وجوب کشتن او صادر کردند، اموال او را مباح دانستند و پس از کشتنش آن‌ها را تاراج کردند. او را سب کردند، تیر به سوی او پرتاب کردند، بر او شمشیر کشیدند، نیزه به سوی او افکندند، - نستجیر بالله - او را لگد زدند و... . مستباح یعنی این.



بیشتر در مناسبت‌های مشابه گفته بودم که همه اهانت‌ها و جسارت‌ها در حق حضرت سیدالشهدا علیه السلام تحقق یافت مگر یک مورد؛ که آن هم معجزه خدای - تبارک و تعالی - بود. بر زبان آوردن آن کار آسانی نیست که هر کس توان بیان آن را داشته باشد. بلیغ‌ترین و زبان‌آورترین ادبا باید عباراتی برای آن جستجو کنند که شاید از بار زشتی آن بکاهد.

دشمنان امام حسین علیه السلام انسانیت خود را پاک باخته بودند. بویی از غیرت و حمیت در آن‌ها نمانده بود. هرچه از پستی و بی‌مایگی آن‌ها بگوییم کم گفته‌ایم. هر چند نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند و ظواهر اسلامی کاملاً در آن‌ها جمع بود، اما واقعیت آن‌ها چیز دیگری بود. حج به جا آوردند اما در مسجد الحرام قصد داشتند امام حسین علیه السلام را گردن بزنند؛ احرام بسته‌اند و شمشیرهای خود را در زیر احرام‌هایشان پنهان کرده‌اند و نام خود را هم مسلمان گذاشته‌اند. ابن سعد فرمانده سپاه یزید نیز در روز عاشورا خطاب به سپاهش می‌گفت: «یا خیل الله؛ ای لشکر خدا». پس معلوم می‌شود به گمان خود انسان‌هایی با خدا بودند و پیرو مذهب اسلام. یکی از معصومان علیه السلام توصیف خوبی از این دوگانگی دشمنان

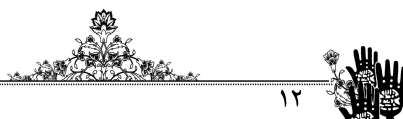


اهل بیت علیهم السلام داشتند. ایشان می فرماید اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جای آن همه سفارش به رعایت حال و مقام اهل بیت علیهم السلام مردم را به اذیت و آزار اهل بیتش سفارش می نمود، در آزار آنان چیزی فروگذار نکرده بودند؛ هیچ ظلم و اهانتی نبود که در حق آنان نکرده باشند.

در این میان - هر چند زبان را یارای گفتن آن نیست و مقام اهل بیت علیهم السلام گرامی تر و منزّه تر از آن است - دشمنان حضرت اباعبدالله علیه السلام به بانوان حرم او نتوانستند دستی دراز کنند. این چیزی نبود جز معجزه خدای تعالی و بزرگی شأن و مقدار این خاندان در نزد خدای تبارک و تعالی. همان گونه که حضرت اباعبدالله علیه السلام در دعا برای اهل بیتش فرموده بود: «إِنَّ اللَّهَ حَافِظُكُمْ وَحَامِيكُمْ»؛ خدای متعال حافظ و پشتیبان شماست». و این به سبب اجابت دعای حضرت در حق بانوان حرمش است که کسی را توان دست درازی به آنان نبود.

چگونه حضرت سیدالشهدا علیه السلام «مستباح» شدند؟

خواندن تاریخ امامان علیهم السلام به ویژه تاریخ حضرت سیدالشهدا علیه السلام خصوصاً برای جوانان بسیار آموزنده است. یکی از منابع معتبر برای

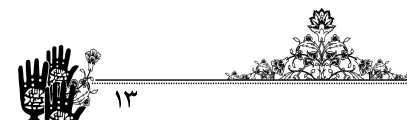


پی بردن به زندگی ائمه علیهم السلام کتاب گرانسنگ بحار الأنوار تألیف علامه بزرگوار شیخ محمد باقر مجلسی است. در این کتاب در مجلدات مربوط به تاریخ حضرت سیدالشهدا علیه السلام چنین آمده است: «إِذْ دَلَفَ إِلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفًا يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بَدْمَه»^۱ سی هزار تن بر او گرد آمدند که همگی خود را از این امت به شمار می آوردند و همگی با کشتن او قصد تقرب به خدای عزوجل را داشتند».

مسبّب آن چه کسی است؟ بی تردید تغییر عقیده مردم کاری زمانبر است و شاید ده ها سال تبلیغ صرف آن شود.

در روایات معصومان علیهم السلام آمده است که جهنم هفت طبقه دارد و در هر طبقه ای نوعی عذاب برای گناهان متناسب با آن است. عذاب طبقه نخست از دیگر طبقه ها به نسبت سبک تر است و حرارت و شعله های آتش آن نیز کمتر است. و هر چه رو به پایین می رود بر شدّت عذاب ها و آتش آن افزوده می شود. با این حال عذاب جهنم فراتر از تصور بشر است و با توصیف نمی توان به آن

۱. امالی الصدوق، المجلس السبعون، ص ۳۷۴.

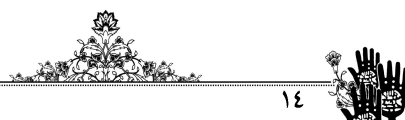


بی برد. از ویژگی‌های جهنم آن است که مُردن در آن نیست.
 خدای متعال درباره جهنمیان فرموده است: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ
 مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ»^۱ و از همه سو مرگ به سوی او می‌آید ولی به
 واقع نخواهد مُرد».

خدای متعال به کلی مرگ را از جهنم برداشته است. اگر مرگ
 می‌بود عذاب همان طبقه اول ساکنان آن را می‌کشت چه رسد به
 طبقات دیگر که به مراتب شدیدتر از طبقه اول است. در طبقه
 زیرین جهنم یعنی هفتمین طبقه آن چاهی است که آتش جهنم از
 آن زبانه می‌کشد؛ بلکه دریایی از عذاب الهی است.

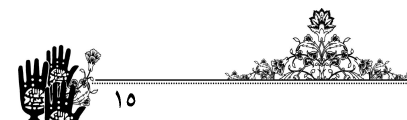
در روایت آمده که هرگاه نگهبانان موکل این چاه که نوزده تن از
 ملائکه‌اند در این چاه را اندکی می‌گشایند همه ساکنان هفت طبقه
 جهنم از شدت آتشی که از آنان بیرون می‌آید ضجه می‌زنند. در آن
 چاه صندوقی قرار دارد که چهارده نفر در آن مدفون‌اند و ریشه همه
 عذاب‌ها نیز در این صندوق است.

۱. سوره ابراهیم، آیه ۱۷.



معاویه یکی از آن چهارده نفر است. نه یزید بن معاویه و نه
 عبیدالله بن زیاد و نه شمر و نه ابن سعد و نه حتی کسانی که برای
 کشتن حضرت به کربلا آمدند و کشتند و تعدی کردند و ظلم
 نمودند، هیچ‌یک در این صندوق قرار ندارند. اما معاویه جزو
 اصحاب آن صندوق است که آتش جهنم از آن برافروخته می‌گردد.
 معاویه کیست؟ روایت فوق ما را به اوج پستی و خبثت معاویه
 متوجه می‌کند. اگر امروز کسانی به نام «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و بر پایه آن
 دیگران را سر می‌پرند یا زنده زنده دفن می‌کنند، ریشه در رفتارهای
 معاویه دارد. شخصی که اندک مدتی پس از شهادت پیامبر ﷺ روی
 کار آمد و قصد داشت اساس اسلام را از بن و بیخ بَرکند.

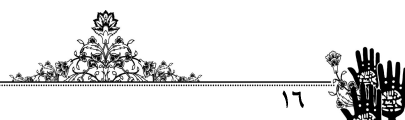
در مجلدهای دهم و یازدهم الغدیر به تفصیل رفتارهای
 اسلام‌ستیزانه معاویه شرح داده شده است. معاویه افزون بر بیست
 سال از جمله در زمان حکومت امیرمؤمنان حاکم نامشروع شام بود
 و جز این منطقه همه سرزمین‌های اسلامی در زیر لوای
 امیرمؤمنان ﷺ قرار داشت. پس از به شهادت رسیدن حضرت
 امیر ﷺ در سال چهلیم هجری، بیست سال تمام حکومت همه
 کشورهای اسلامی را در قبضه خود گرفت و تا سال شصت هجری



حاکم کشورهای اسلامی بود. معاویه در طی بیست سال حکومتش فرهنگی به نام اسلام و با ماهیتی ضد اهل بیت علیهم السلام ترویج کرد. شرح تفصیل اقدامات معاویه در کتب اسلامی از جمله الغدير موجود است و اهل تحقیق می توانند به آن مراجعه کنند. او در این دوران ده ها میلیون سکه طلا از اموال کشورهای اسلامی صرف تبلیغ خود و مبارزه با اهل بیت علیهم السلام و بدنام کردن آنها کرد. علامه امینی در خصوص تبلیغات معاویه در کتاب الغدير از جمله به این بیت شعر اشاره می کند: «سبعون ألف منبر و عشرة من فوقهن يلعنون حیدرة»^۱.

در بیست سال دوران حکمرانی معاویه در همه کشورهای اسلامی از شام و مکه و عراق و دیگر نواحی بیش از هفتاد هزار منبر برپا کردند که هفته ای دست کم یک بار در نماز جمعه - نستجیر بالله - به امیرمؤمنان و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام سب می کردند. بیست سال بر این منوال گذشت و همچنان این برنامه تا دوران چند خلیفه بعد از او نیز ادامه یافت.

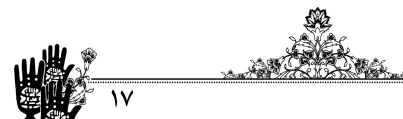
۱. الغدير، ج ۲، ص ۱۰۲، چاپ بیروت.



بد نیست یک حساب سرانگشتی بکنیم. اگر این سب را فقط منحصر به نماز جمعه بدانیم هر سال چند جمعه دارد؟ بیست سال چطور؟ قطعاً بیش از هزار جمعه می شود. اگر آن را در هفتاد هزار (به تعداد منابر) ضرب کنیم چیزی بالغ بر هفتاد میلیون منبر هفتگی به امیرمؤمنان علیه السلام سب می کردند، به او تهمت می زدند و نسبت های دروغ به او می دادند؛ چیزهایی که نمی توان در اینجا آنها را نقل کرد اما علامه امینی در کتاب الغدير به گوشه هایی از این تهمت ها و اهانت ها اشاره هایی کرده است و در مجلدات دهم و به ویژه یازدهم به این موضوعات پرداخته است.

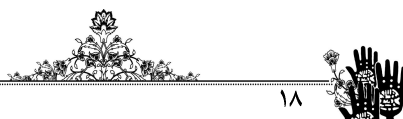
فرهنگ اموی و دستاوردهای آن

در کل، معاویه به گونه ای همه را شستشوی مغزی داد که می پنداشتند پیامبر صلی الله علیه و آله به جز بنی امیه قوم و خویش دیگری نداشت و تنها خویشاوندان آن حضرت خاندان بنی امیه بودند. این فرهنگ را معاویه ترویج کرد. آیا جز تابوت مذکور در قعر جهنم جایگاه دیگری شایسته او هست؟ قطعاً او در تابوت است و نه جای دیگر. به هر حال معاویه فرهنگی را درست کرد که در آن بنی امیه با آن



پیشینه ننگین، چه پیش از اسلام و چه پس از آن در میان مردم ارج و قداستی ویژه یافت. همین مقدمات قتل حضرت امام حسین علیه السلام را با آن شکل فجیح فراهم کرد. در زمان یزید کار به جایی کشید که مردم برای تقرب جستن به خدا برای کشتن امام حسین علیه السلام بسیج شدند. «کلّ یتقربّ إلى الله عزوجلّ بدمه». این جنایت معلول فرهنگ سازی باطل و خلاف ارزش‌های اسلام است که مؤسس آن معاویه بود و بر این مبنا تا قرن‌ها بنی امیه و بنی مروان و پس از آنان بنی عباس هر یک به شیوه خود در میان مردم حکومت کردند. شیعیان نیز در همه این سال‌ها در اقلیت و تحت ظلم و بهتان و آزار حاکمان بودند.

تعالیم نادرست فرهنگ معاویه به همان سال‌های حکومت او محدود نشد و همواره در طی قرن‌ها حاکمانی که بر سر کار آمدند اغلب به شیوه‌ای از آن فرهنگ تأثیر پذیرفته و تا حدودی مروّج و مبلّغ آن بودند. پیرمردهایی که دوران حکومت عثمانی‌ها را در عراق درک کردند، امثال مرحوم پدرم، به خاطر دارند که در آن دوره نمی‌شد یزید را لعنت کرد. حتی در همین کربلا و نجف و سامرا و دیگر شهرهای عراق اگر بر کسی ثابت می‌شد که یزید را لعنت کرده



است، او را زندانی می‌کردند و چه بسا کارش به اعدام نیز می‌کشید. اما بحمدالله امروزه در دنیا وضع عوض شده و کم نیستند مریدان اهل بیت علیهم السلام و دوستان حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و آن‌قدر آزادی بیان هست که بتوان از حقایق پرده کشید و مردم را با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام آشنا کرد. آیا هنگام آن نرسیده است که نقاب از چهره این ظالمان کشیده شود و تفاوت اسلام راستین را با اسلام دروغین برای مردم جهان روشن کرد؟ بنده خود چهل و اندی سال پیش شاهد بودم کتابی نوشتند با عنوان «یزید بن معاویه، الخلیفه المظلوم» که چاپ سوم آن با صد هزار نسخه راهی بازار شد. این داستان به هزار سال پیش بر نمی‌گردد، به همین اواخر مربوط می‌شود. در آن زمان یک شخص با نام مستعار، ردّی بر آن نوشت و نام آن را «یزید بن معاویه، فرع الشجرة الملعونة في القرآن» گذاشت، اما حکومت اسلامی وقت نشر آن کتاب را به دلیل تفرقه‌انگیزی ممنوع کرد.

اما اکنون اوضاع جهان به کلی تغییر کرده است. آزادی در غرب به گستردگی وجود دارد. کشورهای اسلامی نیز یکسان نیستند و در برخی از آن‌ها نیز تا حدودی آزادی تحقق یافته است. اگر اکنون دست به کار نشویم پس چه هنگام باید برای اهل بیت علیهم السلام فرهنگ

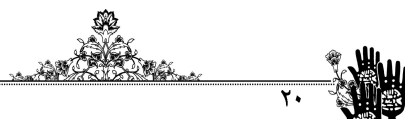


سازی شود و مردم جهان را در اقدامی مکتبی و نهادینه با آموزه و راه و روش آن بزرگواران آشنا سازیم؟

پیامدهای معاصر فرهنگ اموی

پیرمردهایی که پا به سن گذاشته‌اند و در جوانی در نجف اشرف یا کربلای معلی و یا در شهرهای عراق بوده‌اند احتمالاً مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی را درک کرده‌اند. حضور ایشان در عراق مصادف شد با دوران نخست وزیری یاسین الهاشمی در آن کشور. یاسین الهاشمی به شدت با برگزاری شعائر مقدس امام حسین علیه السلام مخالفت کرد و عزاداران آن حضرت را حبس می‌کرد و شکنجه می‌داد و بسیاری را نیز اعدام کرد. در روزگار او روزنامه نگاری از مرتبطانش که به دلیل پاره‌ای ملاحظات از بردن نام او معذورم مقالاتی بر ضد شعائر حسینی و ضد شخص امام حسین علیه السلام در روزنامه‌ها به چاپ می‌رساند.

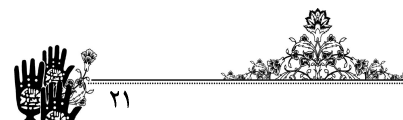
مرحوم آقا سید ابوالحسن با درایت تمام و حکمت وافر خود با این مسئله رو در رو شد. لازم به ذکر است که مراجع شیعه از شیخ مفید و سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی گرفته تا علامه



بحرالعلوم و بعدها شیخ انصاری و مجدّد شیرازی و دیگر علمای شیعه پس از معصومان علیهم السلام از امتیاز و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و کمتر کسی را یارای رسیدن به مقام ایشان است. در این میان، روزگار کمتر مانند آقا سید ابوالحسن اصفهانی به چشم خود دیده است. حکمت و علم و تقوای کم‌نظیر این عالم ربانی زبانزد خاص و عام بود.

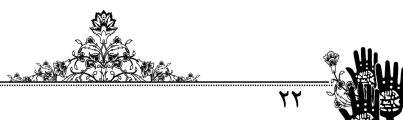
تاریخ عراق در دوران نخست وزیری یاسین الهاشمی واقعاً خواندنی است. بد نیست جوانان احوالات و رفتارهای این دیکتاتور را مطالعه کنند. نکته درخور اهمیت در زندگی این حاکم خودکامه و دیگر کسانی که به نحوی با شعائر مقدس حضرت امام حسین علیه السلام مخالفت ورزیدند و با اجرای آن ممانعت کردند، این است که همه آن‌ها در همین دنیا سزای رفتار خود را دیدند. ممکن است موقتاً چند سالی حکومتی دست و پا کنند و مانع عزاداری شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام شوند، اما عاقبت دیری نمی‌پاید که طومار زندگی آن‌ها به بدترین شکل برچیده خواهد شد و فرجام ذلت باری برای آنان رقم خواهد خورد.

یاسین الهاشمی پس از آن همه آزار و اذیت عزاداران امام



حسین علیه السلام و تلاش‌هایش در بازداشتن از برگزاری شعائر حسینی یک سال و نیم بیشتر دوام نیاورد و دست آخر از عراق به یکی از کشورهای همسایه گریخت و از سرانجام او خبری نشد که به مرگ طبیعی مُرد یا کشته شد. همه کسانی که در برابر امام حسین علیه السلام ایستادند چند سالی بیشتر دوام نیاوردند و زندگی پر از ذلثشان با شقاوت اخروی گره خورد. حتی آنهایی که در صحرای عاشورا قاتلان حضرت را همراهی کردند، بی‌آنکه تیری پرتاب کنند یا شمشیری بزنند، همگی گرفتار شقاوت دنیا و آخرت شدند.

بنده سفارش می‌کنم به کسانی که در راه اقامه شعائر مقدس حضرت امام حسین علیه السلام بلایی بر سرشان آمده، گرفتاری برایشان پیش آمده، سیلی خورده‌اند، حبس کشیده‌اند و ضرر مالی و آسیب بدنی دیده‌اند و یا هر مشکل دیگری که برایشان رخ داده است، کسی را که این آسیب‌ها را به آنان رسانیده است پیگیری کنند، در می‌یابند که به اتفاق همگی آن‌ها عاقبت خوش نخواهند داشت و حیاتی پر از رنج و آفت و خفت تجربه خواهند کرد. این معجزه خدای متعال است که به مظلومان وعده داده است از ظالمان در آخرت انتقام بگیرد و در همین دنیا پاسخ بسیاری از آن‌ها را بدهد.

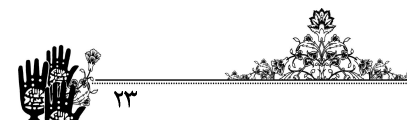


دنیا گذران است اما آخرت پایانی ندارد و امثال شمر و ابن زیاد و ابن سعد و یزید مختصر عذابی در دنیا دیدند، اما در آخرت عذاب شدید خدا را که پایانی ندارد در انتظار دارند.

«خذلان» امام حسین علیه السلام و دامنه گسترده آن

خدای متعال مالک دنیا و آخرت است و از روایات متواتر برمی‌آید که قرار او بر این است که هر کسی به حضرت امام حسین علیه السلام ظلمی بکند ولو به شعائر مقدس ایشان باشد، از او نخواهد گذشت و آن شخص تاوان عمل خود را هم در این دنیا و هم در آخرت پس خواهد داد. به این ترتیب کسانی که در عزاداری و تعظیم شعائر مقدس ایشان منفی بافی کنند، مشمول «خذلان» خواهند بود. در روایات موجود از ائمه علیهم السلام و دعا‌های وارد شده از ایشان مفصل درباره خاذلان حضرت سیدالشهدا علیه السلام سخن رفته و بارها بر زبان ایشان، آن‌ها مورد لعن قرار گرفته‌اند. یکی از آن‌ها روایت مشهور «وليجتهدن ائمة الكفر و اشیاع الضلالة...»^۱ است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خیلی پیش از واقعه کربلا، در زمانی که حضرت کم

۱. بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۵۷.



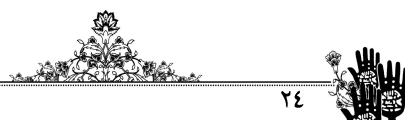
سال بودند آن را بیان فرمودند و در آنجا «خاذلان» حضرت را نیز لعن کردند.

پیامبر خدا ﷺ در آنجا به درگاه الهی عرض می‌کند که خدایا هرکس به هر نحوی بتواند امام حسین ﷺ را یاری کند ولی آن کار را نکند، تو نیز یاری‌اش مکن.^۱ خدایا او را به بیماری مبتلا کن و مرگ او را در همان بیماری‌اش قرار ده. بار خدایا به فقر و بدبختی گرفتارش کن و ظالمان را بر او مسلط کن تا انواع بلاها را بر سر او بیاورند.

مطالب بسیاری درباره قاتلان حضرت سیدالشهدا ﷺ در منابع مختلفی از جمله کتاب بحار الأنوار و همین‌طور منابع تاریخی نقل شده است که در همه آن‌ها یک چیز مشترک است و آن هم گرفتاری و بلاهای دنیایی و فرجام بد در همین دنیا است.

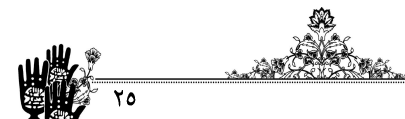
درباره امام حسین ﷺ از قصه‌ها چنین بر می‌آید که قاصر و مقصر در آن چندان فرق نمی‌کند و هر دو در همین دنیا مجازات خواهند شد. قاصر کسی است که نادانسته به آن حضرت جفا می‌کند و مقصر دانسته و از روی عمد این کار را می‌کند. در آخرت

۱. زاد المعاد، ج ۱، ص ۴۰۴.



میان قاصر و مقصر تفاوت است اما در این دنیا هر دو تاوان عمل خود را خواهند دید. مانند کسی که با آتش بازی می‌کند؛ چه متوجه خطر آن باشد یا نباشد، می‌سوزد. تفاوت میان قاصر و مقصر حکمی عقلی است و از سوی خدای متعال حتماً لحاظ می‌شود.

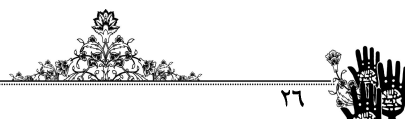
خاذلان ترک نصرت است. جریان امام حسین ﷺ دو سوی کاملاً متضاد و با پیامدهای متفاوت دارد. تأیید و خذلان آن هر یک پیامدی جدا دارد. تأیید و حمایت در نزد خدای متعال شایسته والاترین اجرها خواهد بود و خذلان و تخریب در قضیه امام حسین ﷺ هرگز از نزد خدا بی‌عقاب رها نخواهد شد. خذلان دامنه گسترده‌ای دارد. کسی که می‌تواند به عزاداری امام حسین ﷺ کمک کند اما از آن سر باز می‌زند یا حتی به اندازه کافی و در حد امکان کمک نمی‌کند، از مصادیق حتمی خذلان به شمار خواهد آمد. برای مثال آن که می‌تواند یک میلیون بپردازد و تنها نیم میلیون کمک می‌کند او نیز علی‌رغم مشارکت و خدمتی که کرده به اندازه‌ای که کوتاهی کرده است مرتکب خذلان شده است، نیز کسی که می‌تواند در عزاداری‌ها شرکت کند ولی نمی‌کند یا شرکت فعال و مستمری ندارد همه اینها از مصادیق خذلان است. پس



خذلان اندازه‌ها و اشکال مختلفی دارد که باید به آن توجه وافر داشت تا مبدا ما از شمار خاذلان حضرت سیدالشهدا علیه السلام قرار گیریم که در آن صورت به نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتار خواهیم آمد و از نظر ویژه خدای سبحان و عنایت خاص حضرت سیدالشهدا علیه السلام محروم خواهیم گردید.

عزت را باید در دستگاه امام حسین علیه السلام جست

داستان‌ها فراوان هستند درباره کسانی که دانسته یا نادانسته به خذلان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و شعائر مقدس ایشان گرفتار شده‌اند و البته همان‌گونه که رفت مؤکداً همگی تاوان آن را در همین جهان پیش از جهان آخرت باز پس داده‌اند. داستانی که در اینجا در خاطر دارم درباره دو عالمی است که با هم در یک شهر می‌زیستند و از جمله در یک درس شرکت می‌کردند و در ابتدای امر مدارج تحصیل و مراتب علمی یکسانی داشتند حتی از محضر استادان واحد بهره بردند که در میان آنان یکی از مراجع مشهور معاصر نیز بود. اما این همه همسانی و همراهی به فرجام یکسانی نینجامید و عاقبت دست امتحان الهی هر یک را به گوشه‌ای سوق داد.



یکی از آن دو عالم در شعائر مقدس امام حسین علیه السلام فانی بود، در عشقش به مولا سر از پا نمی‌شناخت و همه زندگی‌اش عرض ارادت به حضرت سیدالشهدا علیه السلام و شرکت در مجالس ایشان بود. با جان و دل در مراسم‌های عزاداری حضرت شرکت می‌کرد و از هر خدمتی که از دستش بر می‌آمد در عزاداری‌ها دریغ نمی‌کرد. اما آن دیگری چنین چیزهایی درباره او دیده نشده بود؛ البته نه اینکه عناد داشته باشد یا در محبتش به حضرت امام حسین علیه السلام قصوری باشد، به هر حال این تفاوت میان آن دو عالم در زندگی‌شان آشکارا مشهود بود.

سال‌ها گذشت و علمای بسیاری از آن شهر سر برآوردند، ولی هیچ‌یک عزت و مقبولیت آن عالم را نیافت که شیفته حضرت امام حسین علیه السلام و شعائر مقدس ایشان بود. او به مقامی ویژه در میان همه عالمان آن دیار دست یافت به گونه‌ای که هیچ‌کدام از آنان جایگاه و پایگاه ایشان را در میان مردم نداشتند. به احترام آن بزرگان از ذکر نام آن‌ها پرهیز کردم و تنها به فایده حاصل از این داستان اشاره نمودم تا عبرتی باشد برای عبرت گیرندگان. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»^۱ به راستی در

۱. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

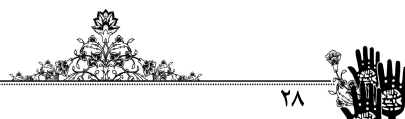


سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است».

آن عالم دیگر نسبت به یکی از شعائر مقدس حضرت اباعبدالله علیه السلام بی مهری داشت. نمی‌دانم قصد او را با چه کلمه‌ای بیان کنم که تند نباشد. به هر حال، همان‌گونه که رفت همه اینها از خذلان اباعبدالله علیه السلام به شمار می‌آید و مشمول عقوبت‌هایی می‌شود که خدای متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وعده داده‌اند. از قضا آن عالم همان‌گونه که یکی از شاگردان او درباره‌اش نقل کرد زندگی رقت باری داشت و در نهایت ذلت از این جهان رفت. آن شاگرد که ناقل این موضوع بود و از بردن نامش معذوریم، از علمای مشهور جهان تشیع است. بی مهری نسبت به یکی از شعائر مقدس امام حسین علیه السلام چه ذلت‌ها و گرفتاری‌های بسیاری که در پی دارد.

استعجال خدا در عقاب خاذلان

خدای متعال خواسته است که حضرت امام حسین علیه السلام استشنا باشد. «خصائص حسینیة» یکی و دوتا نیست. حضرت صدها ویژگی منحصر به فرد دارد و هزاران داستان. داستان‌های کسانی که شعائر مقدس آن جناب را خذلان کرده‌اند. بزرگان بسیاری نیز قلم برداشته‌اند



و در حدّ بضاعتشان برخی از این داستان‌ها را گرد آورده‌اند. البته دستمایه کارشان خواندنی است و در خور آن است که تکمیل شود. معروف است که: «کم ترک الأولین للآخرین؛ چه بسیار چیزهایی که پیشینیان به آیندگان سپرده‌اند تا آن‌ها آن را کامل کنند».

داستانی که پیرمردهای ساکن قم برای بنده نقل کرده‌اند به هشتاد، نود سال پیش برمی‌گردد. این داستان در همین بازار کنونی قم (بازار کهنه) رخ داد و بسیاری از پیرمردها که آن زمان را درک کرده‌اند هنوز آن را به خاطر دارند. در آن زمان عزاداری در قم ممنوع بود. دولت پلیسی را مأمور تفحص کرده بود که بر روی پشت بام بازار می‌رفت و اگر در اطراف سحر رفت و آمد نامعمولی مشاهده می‌کرد یا روشنایی چراغی را می‌دید که از مجلس روضه‌ای بیرون می‌آید، آن را گزارش می‌داد. سابق هنوز برق به خانه‌ها کشیده نشده بود و در حالت معمولی خانه‌ها در شب غالباً تاریک بودند، مگر آنکه مجلس داشته باشند و مشعل‌هایی روشن کرده باشند. آن مأمور اگر کسی را می‌یافت که مجلس روضه‌ای در دل شب راه انداخته و افرادی را برای عزاداری جمع کرده است به محض آنکه گزارش او را می‌داد به خانه او می‌ریختند و همه را



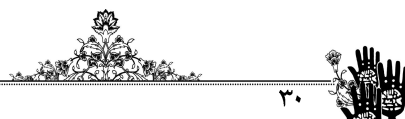
دستگیر می کردند، به ویژه صاحبخانه که کتک می خورد و جریمه می شد و حتی ممکن بود به حبس برود.

یک شب که ظاهراً شب عاشورایی بوده است این پلیس دور از انظار عموم در پشت بام مخفی بود و خانه ها و محله ها را می پایید. ناگهان در همان حین که این سو و آن سو را می گشت پایش سر می خورد و از بالای بام بر روی شکم به زمین می خورد و در دل شب صدای مهیب زمین خوردن او در محله می پیچد. نقل می کنند که او را به سرعت به بیمارستان بردند و ناله های او همانند نعره حیوانات گوش خراش بود. تا صبح دوام نیاورد و به درک واصل شد.

چرا خدای متعال چنین شتابان پاسخ خاذلان شعائر حسینی را می دهد؟

«إِنَّمَا يَعَجِلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ»^۱ کسی که از مرگ بترسد عجله می کند». کسی عجله می کند که ترس از دست دادن چیزی را دارد. اما خدا ترس آن را ندارد که کسی از دست او بگریزد. از آن گذشته، آخرت نیز عذابی سخت تر و دردناک تر برای آن ها در نظر

۱. کلیات حدیث قدسی، ج ۱، ص ۴۷.

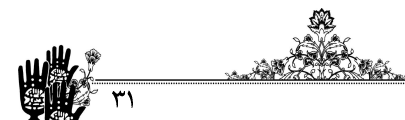


گرفته است، پس چه جای استعجال در عقوبت است که این گونه در دم آن مأمور پلیس را از پا درآورد؟

همان گونه که رفت حضرت امام حسین علیه السلام استثنای عالم وجود است. اختصاصات آن حضرت بیش از آن است که تصور می کنیم. فقط درباره او بود که گفته شد: «أَنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا»^۱ خدا خواست که تو را کشته ببیند».

مسأله حکم وضعی دارد. اثر و نتیجه ای که بر آن مترتب است وضعی است. انسان اگر در اجرای شعائر مقدس اهل بیت علیهم السلام هر کدامشان که باشد ثابت قدم باشد و از تهدید و تخویف ظالمان همچون یاسین الهاشمی و صدام و جز آنان هراسی به دل راه ندهد و پا برجا آن شعائر را انجام دهد، حتی اگر کتک بخورد، زندانی شود و یا هر بلای دیگری بر سر او بیاید، قطعاً در نزد اهل بیت علیهم السلام بی اجر نخواهد ماند و خدای عزوجل نیز بی گمان پاسخ او را به شایسته ترین وجه خواهد داد. اگر کسی در راه اقامه شعائر مقدس امام حسین علیه السلام دو سیلی بخورد - به فرموده حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - خدای

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

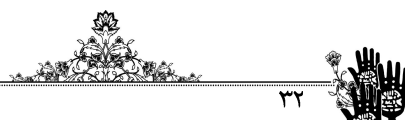


متعال برای او جبران می‌کند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام نیز خودشان را مدیون ما و شما نخواهد گذاشت و اجری شایان در دنیا و آخرت به ما عطا خواهد کرد.

هر گلی بویی دارد

معرفی حضرت امام حسین علیه السلام به دنیا و بیان این‌که چرا کشته شد و این‌که قاتلان او که بودند و ریشه این‌کار در کجاست، باید به گستردگی انجام پذیرد. این‌کار تقریباً وظیفه‌ای همگانی است. جا دارد اهل علم و دانشجویان محترم در این زمینه کتاب‌ها نگارش کنند و پایان‌نامه‌ها صرف آن شود. این عرصه بسیار جای تألیف و تحقیق دارد و دیگر این‌که «هر گلی بویی دارد».

در یک کشور چرا چندین هزار طبیب وجود دارد؟ آیا این همه طبیب نیاز است و اصلاً زیاد بودن تعداد آن‌ها مفید است یا غیر مفید؟ قاعدتاً هر چه طبیب در جامعه‌ای بیشتر باشد مریض در آن کمتر است و بیماران بهتر و سریع‌تر معالجه خواهند شد. با این قیاس، نباید پنداشت که درباره حضرت سیدالشهدا علیه السلام کتاب فراوان نوشته شده و ضرورتی برای تألیف در این زمینه دیده

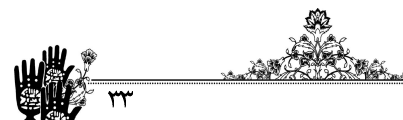


نمی‌شود. فراموش نکنیم که هنوز اکثر مردم دنیا از این مطالب بی‌خبرند و مطلع کردن آن‌ها قطعاً وظیفه من و شماست.

اسلام بی‌نقاب

فرهنگ خدا و فرهنگ قرآن و فرهنگ پیامبر صلی الله علیه و آله و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام همه با هم همخوان و همسان است و هیچ دوگانگی در آن یافت نمی‌شود. اهل بیت علیهم السلام روایت‌کنندگان سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و او نیز از زبان جبرئیل امین سخنان خدای متعال را بازگو می‌کند. اسلام صحیح همین است و مابقی همه اسلام وارونه و تقلبی است. هر اسلامی که با قول و عمل قرآن کریم و چهارده معصوم علیهم السلام مغایرت داشته باشد، تقلبی است.

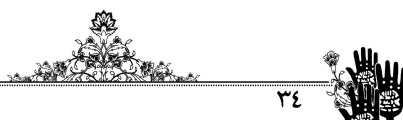
آیا ممکن است حرف معاویه درست باشد و فرمایش قرآن درست نباشد؟ آیا می‌توان به سخنان بی‌اساس معاویه اعتماد کرد و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را زمین گذاشت؟! البته که نه. همان روایات برای بی‌اساس بودن معاویه و سخنانش بس است که در حضور دوستش هنگامی که مؤذن در مأذنه نام رسول خدا صلی الله علیه و آله را برد گفت: که من باید این نام را از مأذنه‌ها بردارم و محکم پایش را بر زمین کوبید و گفت:



«دَفْنًا دَفْنًا»^۱ نابود باد، نابود باد». این روایت نشان دهنده عمق خباثت معاویه است و چه بیچاره و گمراه‌اند کسانی که از او پیروی می‌کنند! نقاب برگشودن از چهره واقعی معاویه و دیگر مدعیان دروغین اسلام امروزه وظیفه‌ای ضروری است تا مردم جهان چهره حقیقی اسلام را که همان اسلام اهل بیت علیهم‌السلام است از چهره نقاب زده و دروغین اسلامی که معاویه و پیروانش مدعی آن بودند بازشناسند. اگر زمانی حجر بن عدی یا عمر بن حمق خزاعی و یا سعید بن جبیر برای پافشاری بر محبت امیرمؤمنان و فرزندانش علیهم‌السلام به مرگ تن دادند ولی زیر بار حجاج نرفتند، امروز نیز وظیفه ما دفاع و آشناساختن مردم جهان با حقایق خاموش مانده در طول تاریخ درباره اهل بیت علیهم‌السلام است.

حجاج، سعید بن جبیر یار و یاور امیرمؤمنان علیه‌السلام و حافظ قرآن را صرفاً برای اینکه امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواند دستگیر کرد. حجاج مدعی بود که باید آن‌ها را فرزندان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام دانست و نسبت دادن آن‌ها به

۱. بحارالأنوار، ج ۳۳، ص ۱۶۹.

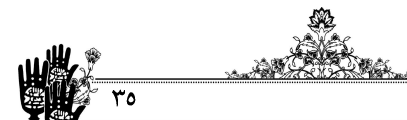


رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نادرست می‌دانست و چنان بر این حرف خود اصرار می‌کرد که مخالفان آن را می‌کشت.

حجاج بن یوسف آن‌قدر از دانش بی‌مایه بود که نمی‌دانست خدای متعال در قرآن کریم حضرت امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خوانده است، آن‌گاه که در آیه مباهله فرمود: «قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ» پس بگو بیایید فرزندانمان را و فرزندانتان را فرا بخوانیم» و در روز مباهله حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دست امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام را می‌گیرد و به همراه امیرمؤمنان و حضرت زهراء علیهما‌السلام به میعادگاه خود می‌آید پس مشخص می‌شود که مراد خدا از فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همان حضرت امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام است.

سعید بن جبیر که حافظ قرآن بود این استدلال را برای حجاج می‌آورد ولی جان پرکینه او از این استدلال روشن، به تنگ می‌آید و آهنگ کشتن سعید بن جبیر را می‌کند. از این‌رو پس از شکنجه‌های بسیاری که به سعید بن جبیر داد عاقبت روزی در پی او فرستاد و

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۱.



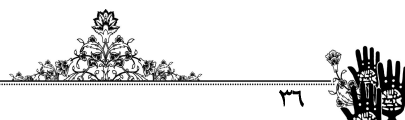
به او گفت من می‌خواهم تو را بکشم. چگونه دوست داری تو را بکشم؟ سعید نیز با کمال خونسردی بی‌آنکه دست و پایش بلرزد، محکم و استوار در برابر او ایستاد و گفت: خدای متعال عادل است. و سؤالات و پاسخ‌هایی میان آن دو رد و بدل شد که حجاج را به خشم آورد.

سعید کشتارهای حجاج را دیده بود، با آن حال پاسخ حجاج را داد به امثال سخن رسول خدا ﷺ که فرمود: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»^۱ برترین جهاد ایراد سخن حق در نزد پیشوایی زورگوست.

از رفتارهای حجاج به خوبی می‌توان به ریشه و پیشینه کشتارهای ناجوانمردانه داعشیان پی برد. هر چند در بسیاری کشورها برچیده شدند اما باز در گوشه و کنار آثاری از آن‌ها به جای مانده و شاید بهترین راه چاره برای شیعیانی که مبتلا هستند مهاجرت باشد. خدای متعال می‌فرماید: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»^۲ مگر زمین

۱. کنز العمال، ۵۵۷۶.

۲. سوره نساء، آیه ۹۷.



خدا وسیع نبود که در آن مهاجرت کنید؟».

سعید بن جبیر در پاسخ حجاج بن یوسف گفت: همان‌گونه که دوست داری من در آخرت تو را بکشم. حجاج دستور داد دستاش را ببندند و گردنش را بزنند. رو به قبله بود و آیه‌ای از قرآن خواند. حجاج دستور داد پشت به قبله‌اش کنند و گردنش را بزنند. در آن هنگام این آیه قرآن را خواند: «فَإَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»^۱ پس به هر سو رو کنید آنجا رو به خداست». حجاج سپس دستور داد دست‌های او را ببندند و به دمر بر روی زمین بخوابانند. سعید دوباره خواند.

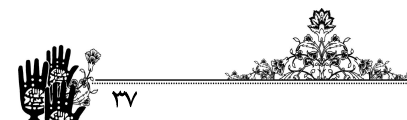
«مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ»^۲ از این زمین شما را آفریده‌ایم و در آن شما را باز می‌گردانیم».

بردباری در اقامه شعائر

تاریخ انباشته از ظلم و تعدی به شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام است. کشتار و خفقان قرن‌ها بر جوامع شیعی سایه افکنده بود.

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

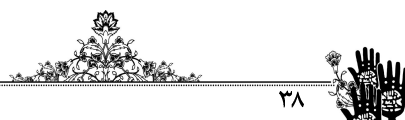
۲. سوره طه، آیه ۵۵.



امروز نیز ردّ پایی از این خفقان و کشتار بی‌رحمانه در برخی سرزمین‌های اسلامی هنوز گزارش می‌شود، اما اندک است. جای نگرانی نیست با اندکی تحمل می‌توان از کنار آن گذشت. خیلی نباید دل پریشان و هراسان شویم. خوشا به حال آنانی که در راه اقامه شعائر مقدس امام حسین علیه السلام خود را به زحمت انداختند، با مشکلات رودرو شدند و تا اندازه‌ای که برایشان ممکن بود تلاش کردند شعائر بر زمین نماند.

از آنجایی که خدای عزوجل خواسته است شعائر مقدس امام حسین علیه السلام تعطیل نشود، همواره شاهد رونق بیش از پیش آن هستیم. بر این اساس حتی صفحه موبایل‌ها و رسانه‌ها نیز امروزه جایگاهی برای نشر و اقامه شعائر حسینی شده است. با این همه امکانات نوین باز میزان به‌کارگیری آن‌ها در جهت اقامه شعائر اندک است و جای کار بیشتری دارد.

بنای اسلام نیز با مشقت و زحمت بسیار همراه بود. این اسلامی که آوازه آن در چهار گوشه جهان پیچیده به سادگی به دست نیامده است. از خودگذشتگی‌ها، مهاجرت‌ها، جهادها و آسیب‌ها و محرومیت‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب باوفایش در صدر



اسلام متحمل شدند، سنگ بنای کاخ باشکوه و شوکت اسلام است. بسیار پیش آمد که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از دشواری‌هایی که متحمل می‌شوند گله می‌کردند.

خدای متعال در قرآن کریم در پاسخ به آن‌ها می‌فرماید: «إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونُ فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ»^۱ اگر شما درد می‌کشید آنان نیز همان‌گونه که شما درد می‌کشید درد می‌کشند، و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آن‌ها امید ندارند».

مشرکان از مکه حرکت می‌کردند و به قصد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله چهارصد کیلومتر طی می‌کردند تا به مدینه برسند. می‌خواستند اسلام را در نقطه خفه کنند. این مسیر بین یک هفته الی ده روز به طول می‌انجامید. ساز و برگ و ارتشی دست و پا می‌کردند با خود توشه و آذوقه حمل می‌کردند، شتر با خود می‌آوردند و ذبح می‌کردند و می‌خوردند. همه این مسیر نیز صحراهای نسبتاً خشکی بود. اما از آن‌سو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سر جای خود نشسته بودند و هنگامی که مشرکان این مسیر دراز را

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

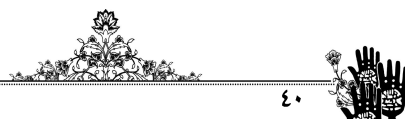


می‌پیمودند و به مدینه نزدیک می‌شدند مسلمانان در بیرون مدینه به مصاف آن‌ها می‌رفتند. جنگ در می‌گرفت. غالباً در جنگ‌های دفاعی پیامبر ﷺ، کشته‌های مشرکان به مراتب بیشتر از مسلمانان بود، زخمی‌ها و اسیرانشان نیز بیشتر بود. با این حال برخی از مسلمانان به نزد پیامبر ﷺ می‌آمدند و از سختی‌ها و گرفتاری‌هایشان شکوه می‌کردند. برخی بی‌سرپناه بودن زن و بچه‌هایشان را بهانه می‌کردند.

خدای متعال درباره آنان چنین فرموده است: «وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا^۱» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی‌حفاظ است، و [لی خانه‌هایشان] بی‌حفاظ نبود [آنان] جز گریز [از جهاد] چیزی نمی‌خواستند».

یکی عذر می‌خواست، یکی سر می‌خاراند و یکی بهانه می‌آورد. خدای متعال نیز برای آنان دلیل می‌آورد که مشرکان نیز همانند شما زن و بچه خود را رها کردند و مشکلاتی همانند شما دارند، با این حال تحمل می‌کنند و دم نمی‌زنند. با این تفاوت که «وَتَرَجُّونَ مِّنَ

۱. سوره احزاب، آیه ۱۳.

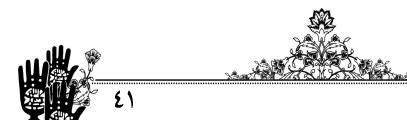


اللَّهُ مَا لَنَا بِرَجُونٍ؛ و چیزی از خدای متعال امید دارید که آن‌ها (مشرکان) به آن امیدی ندارند».

این آیه رهنمودی است برای ما و شیوه‌ای راست و روشن به ما می‌دهد تا در اقامه شعائر آن را پیاده کنیم. در راه حضرت امام حسین ﷺ در طول تاریخ هزارها و ده‌ها هزار، جان خویش را تقدیم او کرده‌اند. قصه‌های آن‌ها در تاریخ ثبت شده است. چه بسیار کسانی که زخمی شدند، اموالشان مصادره شد، آواره شدند، حبس کشیدند و چه افرادی که تا زمان مرگ از بستگانشان خبری نداشتند یا خویشاوندانشان مردند و آن‌ها بی‌خبر بودند. طبیعی بود در آن زمان تلفن و موبایل و وسایل ارتباط از راه دور مانند امروز مهیا نبوده است.

آسیب دیدن در راه اقامه شعائر

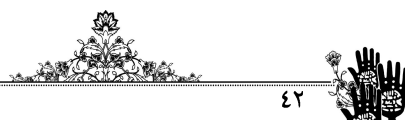
هیچ زمانی همانند امروز این اندازه آزادی وجود نداشته است. جا دارد فرهنگ بنی‌امیه و همانندان آن که تا امروز در دنیا به عنوان فرهنگ اسلامی رایج است اصلاح شود و فرهنگ حقیقی اسلام که با محوریت اهل‌بیت ﷺ و تعالیم آن‌ها بنیاد نهاده شده است به جهانیان معرفی شود. آزادی موجود و امکانات ارتباطی موفور



بهترین فرصت برای نشر و تبلیغ فرهنگ اسلام حقیقی است. حتماً باید این اصلاح صورت بگیرد و فرهنگ راستین اسلام جای فرهنگ نادرست و پر فریب اموی را بگیرد.

همگی در این باره قاصریم. حوزوی و دانشگاهی مسئول است که خوب درس بخواند تا بتواند در این عرصه بهتر خدمت کند. گذشته از آن تهذیب نفس مرکب و وسیله این کار است. بی تقوا راه به جایی نخواهیم برد. در کل همان‌گونه که قرآن کریم ما را به الگوگیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام سفارش نموده است، آن بزرگواران نیز همواره در نشر و ترویج اسلام و آیین خدا هرگونه رنج و دشواری را به جان خریدند و همواره شکیبایی پیشه کردند. باید «مستباح» برای اهل دنیا شرح داده شود و تبیین شود که چرا «مستباح» خوانده شد و چه کسی مسبب آن بود. اسلام قلابی که حضرت امام حسین علیه السلام را «مستباح» می‌داند باید اصلاح گردد. مانند اسکناس تقلبی که هیچ ارزشی ندارد، اسلام قلابی هم فاقد ارزش است.

تقریباً همه کسانی که در راه نشر تعالیم اسلام حقیقی و دفاع از اهل بیت علیهم السلام تلاش کرده‌اند، با مشقتها و مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کرده‌اند. علامه امینی صاحب کتاب گرانسنگ الغدير که

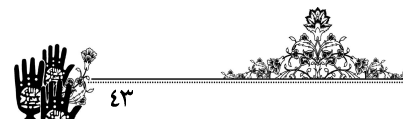


بازتاب گسترده‌ای در جهان داشته از این قاعده مستثنی نبوده و مشکلات زیادی را در راه تألیف این کتاب ارزشمند تحمل کرده است. داستان‌های بسیاری درباره او نقل شده. بنده بارها خدمت ایشان رسیده بودم و از دیگران نیز شنیده بودم که بارها به جانش سوء قصد کردند ولی الحمدلله موفق نشده بودند حتی یکبار از روی دیوار پرید و فرار کرد.

اخبار فراوانی از کسانی که در حمایت از تشیع و شعائر خونشان به زمین ریخته شده در دست است. امروزه ما وامدار جانفشانی و از خودگذشتگی این بزرگان هستیم، چه اینکه شعائر امروزه حاصل حمایت و تلاش آنهاست.

در انتظار اربعین

اربعین حسینی از آشکارترین مظاهر شعائر حسینی است که نباید در آن کوتاهی کرد. کسی نگوید در میان بیست میلیون زائر حضور من چه تأثیری دارد. رفتن یا نرفتن من چیزی به این جمعیت نه کم می‌کند و نه می‌افزاید. کمترین اثر آن فایده‌ای است که برای خودمان دارد. بر پایه روایتی که از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

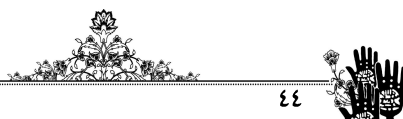


نقل شده یکی از علامات مؤمن زیارت اربعین است!^۱ صاحب جواهر و شیخ انصاری و بسیاری دیگر از بزرگان صحت این روایت را تأیید کرده‌اند.

پس جا دارد هرکس هرچه از دستش بر می‌آید در برگزاری این شعیره مقدس کمک کند؛ یکی کار فرهنگی کند، کسی که اصول دین یا اخلاق بلد است در مسیر زیارت به بقیه زائران آموزش دهد، کسی که برایش ممکن است مساعدت مالی بکند، یکی کسانی را که ناتوان هستند بر دوش بلند کند، تشویق کنند و

در گوشه و کنار بسیار می‌شنویم که فقرایی خانه یا مغازه خود را می‌فروشند و آن‌ها را خرج عزاداری اربعین و میزبانی از زائران حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می‌کنند و یا جوان‌هایی چند سالی پولی جمع کرده‌اند تا با آن ازدواج کنند اما آن را خرج امام حسین (علیه السلام) می‌کنند. فقرا و مردم پایین دست جامعه این گونه‌اند. جا دارد که

۱. روی عن ابی محمد العسکری (علیه السلام) أنه قال: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين و زیارة الأربعین والتختم بالیمین وتغفیر الجبین والجهر ببسم الله الرحمن الرحیم» (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۲).



حکومتیان نیز به ویژه حاکمان کشورهای اسلامی از آن‌ها یاد بگیرند؛ خاصه کشورهای پیرامون عراق.

زائران اربعین صرفاً ساکن کشورهای اسلامی نیستند. بسیاری از غرب و کشورهای اروپایی که در میان آنان غیر مسلمان نیز هست در موسم اربعین با زائران حسینی همراه می‌شوند. مسلمانانی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند سراغ مسئولان و وکلای مملکت خود بروند و از آن‌ها تقاضا کنند که در مسافرت‌های اربعین تسهیلاتی در گذرنامه‌ها و ویزای زائران کشورهای خود در نظر بگیرند. این وساطت‌ها حتماً در درگاه خدا و دستگاه حضرت امام حسین (علیه السلام) بی‌اجر نخواهد ماند.

در مجموع هر کسی در شعائر حسینی کاری از دستش برآید و نکند، خذلان کرده است. کسی که می‌خواهد خانه بخرد یا ازدواج کند یا برنامه‌ای دیگر در سر دارد، مدت‌ها پول جمع می‌کند. آیا ما برای برگزاری مراسم اربعین پول جمع کرده‌ایم؟ اگر چند نفری جمع شویم و با کمک هم مبلغی برای عزاداری امام حسین (علیه السلام) جمع کنیم البته مبلغ قابل توجهی خواهد شد و تأثیرگذار خواهد بود.

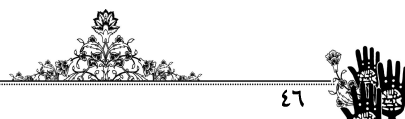
کشورهای غربی با آنکه خیلی از مردم آن‌ها کافر یا غیر مسلمان



هستند، مرید و محب حضرت امام حسین (ع) در میان آنها کم نیست. فقط لازم است کسی مانند ما برود و آنها را به مکتب اهل بیت (ع) راهنمایی کند. این کارها هرچند که مدتی ما را از کار و کاسبی باز دارد، اقدام پرباری است و ارزش آن را دارد. کم وقت گذاشتن مثل کم پول گذاشتن نوعی خذلان در مورد حضرت سیدالشهدا (ع) است.

مردم به حاکمان و مسئولان خود اصرار کنند چه بسا آنها نیز بر سر غیرت آیند و اقداماتی در تسهیل و یاری شعائر مقدس اباعبدالله (ع) انجام دهند. بنده خود در عراق شاهد بودم که شخصی منکر مسئله‌ای بود ولی بعد از فراگیر شدن به آن تن داد. ذره ذره جمع گردد وانگهی دریا شود.

زیارت مقدس اربعین سزاوار است که هر سال باشکوه‌تر و گسترده‌تر از قبل برپا شود. اگر کربلای مقدس جای پذیرایی این جمعیت میلیونی را ندارد، در بیرون از آن و هرچه نزدیک‌تر به آن، مراکز و هتل‌هایی برای اسکان زائران امام حسین (ع) بسازند. فقرا و قشر کم‌درآمد جامعه همه توان خود را صرف میزبانی و تهیه غذا و تا حدودی آسایش و راحتی زائران کرده‌اند. اغنیا نیز در این میان

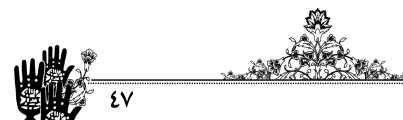


سهیم بوده‌اند، اما می‌طلبند که سهم بیشتری تقبل کنند. مسئولان حکومت‌ها نیز نباید از خوان گسترده خدمت به امام حسین (ع) بی‌نصیب بمانند. در این صورت فردای قیامت در برابر حضرت سیدالشهدا (ع) سرافکنده و شرمسار خواهند بود. در شب اول قبر چه پاسخی برای امام حسین (ع) خواهند داشت اگر می‌توانستند چند هزار تن به زائران حضرت بیفزایند اما این کار را نکردند؟

آزادی امروزه نسبتاً در عراق مهیاست. جا دارد مسئولان این کشور و دیگر کشورها در امور اداری زواری از قبیل ویزا تسهیل کنند. محبت امام حسین (ع) امروزه در سراسر جهان موج می‌زند. قطعاً روزی فرا خواهد رسید که ویزای زیارت اربعین را بردارند. اما چرا روسیاهی‌اش برای مسئولان امروز باقی بماند و چرا مسئولان امروز ویزا را برای زیارت امام حسین (ع) حذف نکنند تا این افتخار تا ابد نصیب ایشان باشد؟!

باشد که...

امید آنکه خدای عزوجل رحمت و واسع‌اش را - که همان حضرت امام حسین (ع) است - از ما نگیرد. حضرت که عنوان «المستباح» دارد و البته مقامی گران در نزد خدای متعال داراست،



باشد به ما گوشه چشمی بنگرد. خدای متعال همان‌گونه که آثار وضعی بر زیارت امام حسین علیه السلام قرار داده آثار تکوینی نیز معین کرده است. باشد که زیارت اربعین مفصل‌تر و باشکوه‌تر گردد و الطاف و کرامات آن نصیب حال ما نیز بشود.

موکبی از شرکت کنندگان در عزای اربعین، طویریج نام دارد که قرن‌هاست دایر است. در آمارهای به دست آمده گفته‌اند که یکی از اعضای این هیئت پنجاه هزار علم در مسیر زائران نصب کرده است. اگر این تعداد به صد و حتی دویست هزار برسد چه اشکالی دارد؟ همه این امور تعظیم و تجلیل شعائر مقدس آقا امام حسین علیه السلام است. پول‌هایی که در این راه خرج می‌شود قابلیت این کار را دارد. بی‌راه نیست اگر بگوییم پول‌هایی که خرج این امور نمی‌شود شایستگی آن را نداشته است.

ان شاء الله خدای عزوجل لطف کند و حضرت سیدالشهداء علیه السلام عنایت بفرماید که عزای اربعین امسال پررنگ‌تر و آسان‌تر از هر سال انجام شود و انتظار می‌کشیم روزی را که این خبر در کشورهای جهان اعلام شود که زائران اربعین معاف از اخذ ویزا هستند.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين